

به نام خدا

# مدرنیته و خرافه

بازشناسی برخی دیدگاه های مبتنی

بر شری و خرافه در عصر ماضی

مؤلف :

کریم نافع فرد

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۲

سرشناسه : نافعى فرد ، كريم ، ۱۳۳۱ -  
عنوان و نام پديدآور : مدرنيته و خرافه : بازشناسى برخى ديدگاههاى مبتنى بر شرک  
و خرافه در عصر حاضر / مولف كريم نافعى فرد.  
مشخصات نشر : ارسطو (سامانه اطلاع رسانى چاپ و نشر ايران) ، ۱۴۰۲ .  
مشخصات ظاهرى : ۵۳ ص.  
شابک : ۵ - ۰۶۸ - ۳۳۹ - ۶۲۲ - ۹۷۸  
وضعيت فهرست نويسى : فيپا      يادداشت : کتابنامه : ص ۵۳  
عنوان ديگر : بازشناسى برخى ديدگاههاى مبتنى بر شرک و خرافه در عصر حاضر .  
موضوع : خرافات ، شرک .  
رده بندى کنگره : BF1۷۷۵      رده بندى ديويى : ۴۱ / ۳۹۸  
شماره کتابشناسى ملى : ۹۱۷۸۷۰۱      اطلاعات رکورد کتابشناسى : فيپا .

نام کتاب : مدرنيته و خرافه (بازشناسى برخى ديدگاههاى مبتنى بر شرک و خرافه در  
عصر حاضر) / مولف : كريم نافعى فرد  
ناشر : ارسطو (سامانه اطلاع رسانى چاپ و نشر ايران)  
صفحه آرايى ، تنظيم و طرح جلد : پروانه مهاجر  
تيراژ : ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۲  
چاپ : زبرجد  
قيمت : ۴۶۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الكترونيكى - کتاب رسان :  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)

## فهرست مندرجات

۵.....	مقدمه.....
۷.....	معرفت و آگاهی.....
۸.....	راه های رسیدن به خدا.....
۹.....	دین ستیزی و دین گریزی.....
۱۰.....	علل دور شدن مردم از آموزه های دینی.....
۱۰.....	اقانیم ثلاثه یا تثلیث اقدس.....
۱۳.....	صلیب مقدس.....
۱۴.....	عروج عیسی ع به آسمان.....
۱۵.....	بازگشت عیسی ع از آسمان.....
۱۷.....	منشأ انحرافات در آموزه های دینی.....
۱۹.....	اصلاح احکام و آموزه های دینی.....
۲۰.....	نقش دین در زندگانی بشر.....
۲۸.....	خرافات جدید.....
۲۹.....	آثار شرک و خرافه در وجود انسان.....
۳۲.....	نقش اسامی و اعداد در سرنوشت انسان.....
۵۳.....	منابع و مأخذ.....



## مقدمه

موضوع نوشتار پیش رو بازشناسی برخی دیدگاههای مبتنی بر شرک و خرافه که در حال حاضر نه تنها در جامعه خودمان، بلکه در جوامع مختلف جهان نیز مطرح است، می باشد. لازم به یادآوری است برخی از تألیفات این جانب که بیشتر به منظور اطلاع رسانی تدوین شده، ممکن است به لحاظ قَلت منابع و مآخذ، از نظر برخی از کارشناسان محترم ضعیف تلقی گردد.

در توضیح پیرامون مطلب فوق باید بگویم فارغ از آثار تحقیقی، در ارتباط با گزینش اینگونه آثار که گفته شد بیشتر جنبه اطلاع رسانی دارند، روش کار بنده بدین گونه بوده و هست که اصولاً یک یا دو منبع یا مآخذ اختیار می کنم و مطالب مورد نظر را که در تأیید موضوع مورد بحث، اما مخالف با نقطه نظرات خودم است، از متن آنها انتخاب، و در ادامه همراه با تحلیلها و نقد نظریات مزبور، نظریات خود را عنوان می نمایم.

نکته دیگر آن است که منابع یا مآخذی که انتخاب می کنم آنها را نیز، نه به عنوان یک منبع تحقیقی محکم، بلکه تنها به عنوان یک منبعی که مطالب لازم در ارتباط با موضوع مورد بحث در آنها منعکس گردیده، گزینش می کنم. این منبع یا مآخذ ممکن است اثری فاخر و قوی، و یا بالعکس اثری معمولی باشد.

از آنجا که نگارنده تنها به جهت آشنایی خوانندگان با موضوع مورد بحث به مطالب آنها نیاز دارد، از مطالب آنها بهره برداری مینماید. اما بایستی توجه داشت چون نگارنده در هر صورت، در صدد نقد مطالب آن آثار و اثبات نظرات خود می باشد، لذا چنانچه عنوان شد در مجموع چندان فرقی نخواهد کرد که اثر انتخاب شده اثری فاخر باشد، و یا اثری معمولی.

از نظر نگارنده همان قدر که مطالب کتاب انتخاب شده از نظر اطلاع رسانی و

همچنین بالا بردن سطح آگاهی خوانندگان مطالبی صحیح و مطابق واقع باشد، کافی بوده و لازم نیست مؤلف اش الزاماً فردی معروف و مشهور باشد. مطالب نوشتار حاضر چنانچه در ابتدای مقدمه نیز یاد شد بازشناسی برخی دیدگاههای مبتنی بر شرک و خرافه است. بایستی دانست که تعداد اینگونه دیدگاه ها در حال حاضر فراوان است و پرداختن به تمامی آنها نیز کاری بس مشکل، زیرا هم وقت کافی می خواهد و هم حوصله فراوان. لازم به یادآوری است که نگارنده در خلال مطالب این نوشتار از میان موارد عدیده مورد بحث تنها به چند مورد از آنها که نیز خیلی مطرح بوده، پرداخته و از بقیه موارد عبور کرده است. امید آنکه این مختصر در راستای تنبیه افکار عمومی کاری مفید بوده باشد.

کریم نافع‌ی فرد

۱۳۹۹/۶/۱۲. ش ۲/۹/۲۰۲۰. م

## معرفت و آگاهی

آدمی همه چیز است به معرفت، و چون معرفت نباشد، هیچ نیست. مَثَل آنکه به معرفت رسیده با آنکه فاقد آن است، مَثَل انسان بیدار و انسان خواب است. آنکه بیدار است می داند که بر وی چه می گذرد و حال آن که خوابیده، خبر از چیزی ندارد. آنکه خواب است در مسیل خوابیده و خبر ندارد، سیلی که راه افتاده، خیلی زود او را در بر خواهد گرفت، و حال آنکه آدم بیدار، میداند که کجا خوابیده و چه خطری او را تهدید می کند. بیداری و هوشیاری که زاده معرفت و آگاهی است، خود گنجی است بس ارزشمند که هیچ چیز به پای آن نرسد.

آن چیزی که موجب گردید تا آدم(ع) با دستی خالی و بدون هرگونه امتیازی بر فرشتگان سبقت گیرد، چیزی جز عنصر معرفت و آگاهی نبود. آنجا که خدای تعالی به فرشتگان فرمود: می خواهم در زمین جانشینی قرار دهم و فرشتگان در مقام سؤال عنوان نمودند که: آیا می خواهی کسی را قرار دهی که فساد می کند و خون می ریزد؟ و حال آنکه ما تو را ستایش و تقدیس می کنیم. آیا این برای تو کافی نیست؟

خدای تعالی بدانان فرمود: من چیزی میدانم که شما نمیدانید، و آنگاه که دانشها را به آدم آموخت و فرشتگان را از آن دانش ها پرسید و آنها اظهار بی اطلاعی نمودند، به آدم فرمود: حال تو بگو! و وقتی آدم همه آنچه که آموخته بود عنوان نمود، و بر فرشتگان سبقت گرفت، آنجا بود که خدای تعالی به فرشتگان امر فرمود تا بر آدم سجده کنند، و این آغاز تراژدی عظیم آفرینش بود.

معرفت و آگاهی وجه افتراق بین انسان و دیگر اجزای کائنات است. انسان به مدد معرفت و آگاهی به مرتبه ای می رسد که در عرصه مخلوقات، هیچ مخلوقی را توان برابری، چه می گویم، حتی توان مقایسه با او را نیست. معرفت و آگاهی به

مثابه ریسمانی که یک سرش بر زمین و سر دیگرش بر آسمان است. اگر راهی به خدا باشد آن راه جز راه معرفت و آگاهی نخواهد بود، اما پرسش این است که راه رسیدن به این شاهراه چگونه خواهد بود؟

آیا در این دنیای وانفسا که هزاران راه پرپیچ و خم پیش روی آدمی است، تشخیص و تمیز آن راهی که سریعتر و همچنین راحت تر بشر را به سرمنزل مقصود برساند، ممکن است؟ پیروان موسی از طریقی، پیروان عیسی از طریقی، مسلمانان خود از طریقی، زردشتی ها، هندوها، جاین ها، بودایی ها، دائویی ها، عرفا، متصوفه و همین طور صدها مذهب و مسلک وابسته به اینها، هر یک به طریقی در صدد برکشیدن نوع انسان از عالم خاک به افلاک اند، و انسان خود در این میان حیران و سرگردان که چه کند؟ و از کدامین راه برود؟

### راههای رسیدن به خدا

در جایی خوانده بودم که راههای رسیدن به خدا به تعداد مردمان روی زمین است. (الطرق الی الله بعدد انفس الخلاق). ناگفته نماند این عبارت را به پیامبر اسلام ص نسبت داده اند، که از نظر نگارنده نمی تواند صحیح باشد. بیشتر این عبارت را عرفا و متصوفه استفاده می کرده اند و به پیامبر اسلام که خود آورنده دینی مستقل بوده، ربطی ندارد، و دلیل آن هم این است که پیامبری که خود، مستقلاً دینی آورده، هیچگاه نمی آید کنار دین خود، یک چنین دیدگاهی را که به زبان بیزبانی بی اعتبار جلوه دادن دین خودش می باشد، عنوان نماید!

این مطلب را که صوفیه زیاد به کار می برده اند بیشتر ناظر به سیر و سلوک شخصی بوده و به ادیان و شرایع آسمانی ربطی نداشته است. غرض آنها از طرح این گونه مطالب بیان این نکته بوده که هر کسی به طریقی که خود می داند و می تواند، تلاش می کند تا با خدا ارتباط برقرار کند و چه بسا راه همه یکسان نبوده و با هم متفاوت نیز باشد، اما مهم نیست. چرا؟ چون همگی در صدد تقرب به حق تعالی می باشند، و تفاوت راههای شان اشکالی ایجاد نمی کند.

مشکل اینجا است که با وجود این همه مکاتب و مذاهب که امروزه وجود دارد، وضعیت بشر مصداق کامل همان خبر فوق شده است. یعنی صدها و بلکه بیشتر، مذهب و مکتب در دنیا هست که هر یک به روش خود مدعی هدایت



انسانها به مسیر رستگاری اند، اما همان گونه که آمد معلوم نیست که کدام یک از آنان راه را خوب میدانند، و قادر است پیروان خود را از این وضعیت فلاکت باری که گرفتار شده اند، نجات بخشد.

انتخاب یک راه درست به منظور نیل به حقیقت و رستگاری کاری بس صعب و سخت است و جز از کسی که به دقایق راه آشنا و به خطرات آن وقوف دارد، بر نمی آید. متأسفانه انسان امروز به قدری گرفتار مشکلات روزمره زندگی و امرار معاش خود شده که نمی تواند برای این گونه امور وقت بگذارد و لذا گریزی ندارد جز آنکه به هرچه از سوی متولیان دینی و رؤسای مذهب اش برای او عنوان می شود، تن دهد.

حال آن که تشخیص این معنا، یعنی تشخیص این موضوع که آنچه رؤسای مذهبی برایش عنوان می کنند، درست است یا نادرست، این خود، مشکلی است که خود قادر نیست بدان بپردازد و درست را از نادرست تمیز دهد، و در این میان آن که تا حدودی آشنا بدین گونه امور است باید جستجو و تحقیق کند تا بلکه در میان صدها رأی و نظر، رگه هایی از حقیقت را یافته و در اختیارش قرار دهد. بر این مشکل نیز اضافه می شود مشکلات ناشی از نظریاتی که فلاسفه، خاصه فلاسفه غربی عنوان نموده اند، و همچنین دیدگاههایی که از سوی مکاتب عرفانی اعم از کلاسیک و مدرن بازخوانی شده و می شود.

### **دین ستیزی و دین گریزی**

در حال حاضر ذهنیت غالب در جهان، ذهنیتی مبتنی بر دین ستیزی و دین گریزی است. مردم دنیا با توجه به تبلیغات دامنه داری که از سوی عوامل ذی ربط به عمل آمده و می آید، تقریباً پذیرفته اند که آموزه های شرایع آسمانی از جمله یهودیت، مسیحیت، اسلام و .... فاقد آن پتانسیلی اند که بتوانند پیروان خود را به مسیر کمال و تعالی بکشانند. چون در ارتباط با این معنا دچار یأس و نا امیدی شده اند لذا به مکاتب شرقی از قبیل هندو، بودیسم، دائوئیسم و در ادامه آنها به مکاتب عرفانی قدیم و جدید روی آورده اند، و این در حالی است که نه شرایع آسمانی مشکل ذاتی دارند، و نه عرفان های موجود توانایی هدایت نوع انسان به کمال مطلوب.

### علل دور شدن مردم از آموزه های دینی

بایستی دانست هر اشکالی در شرایع آسمانی مشاهده می شود همه بر اثر لغزشها و انحرافات ذهن بشر پدید آمده و همان گونه که اشاره شد اشکالات آنها ذاتی نبوده است. این بعید نیست که در مکاتب انسانی اشتباه و اشکال باشد، و البته امری طبیعی است. چرا؟ به لحاظ آن که ساخته و پرداخته دست بشرند، اما در شرایع آسمانی وجود خطا و اشتباه غیر ممکن است. چرا؟ چون چیزهایی که در آنها عنوان شده از سوی خدایی است که از همه چیز آگاه است و بهتر از همه می داند که راه کمال و تعالی انسان کدام است و کدام راه، انسان را به سرمنزل مقصود یعنی فلاح و رستگاری می رساند.

ناگفته نماند ما نیز به وجود بسیاری از نارسایی ها و ناراستی ها در برخی از احکام شریعت ها اذعان داریم، اما همان گونه که پیشتر نیز عنوان شد، آنها را از یک طرف محصول لغزشها و انحرافات ذهن بشر، و از طرف دیگر ناشی از عدم درک برخی واقعیتها از سوی پیروان آن شریعت ها می دانیم. البته در این رابطه مطالب زیادی هست که ما در جاهای دیگر عنوان کرده ایم. چون طرح تفصیلی موضوع در اینجا ممکن نیست، لذا به یک نمونه اشاره نموده و معتقدیم خواننده اگر به همین یک نمونه دقت کافی داشته باشد، بسیاری از ابهامات برایش برطرف خواهد شد.

### اقانیم ثلاثه یا تثلیث اقدس

در این بخش از مطالب نظر خوانندگان را به مقوله «تثلیث» یا «اقانیم ثلاثه» در کلام مسیحی جلب می کنیم:

«... تثلیث واحد است. ما به سه خدا اعتراف نمی کنیم، بلکه به خدای واحد در سه اقنوم. پس اقانیم ثلاثه در یک الوهیت سهیم نیستند، بلکه هر یک از آنها کامل خدا هستند. پسر، همان پدر است و پدر، همان پسر است، و روح القدس همان پدر و پسر است. یعنی از نظر سرشت و طبیعت یک خدا هستند. هر یک از اقانیم ثلاثه، در همین حقیقت، یعنی جوهر و ذات و سرنوشت الهی هستند. ما ایمان داریم به خدای واحد، پدر قادر مطلق، خدای همه چیزهای مرئی و نامرئی؛ و به خداوند واحد عیسی مسیح، پسر خدا، مولود از پدر، یگانه مولود که از ذات پدر